
جامعه ها در شبانگاه
ظهور انبیاء

بسم الله الرحمن الرحیم

جامعه‌ها در شبانگاه ظهور انبیاء

نویسنده:

سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جامعه‌ها در شبانگاه ظهور انبیاء

مشخصات کتاب

عنوان: جامعه‌ها در شبانگاه ظهور انبیاء (ع)

پدیدآورندگان: علی خامنه ای(پدیدآور)

مسئله نبوت

از جمله موضوعاتی که در نهج‌البلاغه در چند جا تکرار شده مسئله نبوت است و رسیدگی به آن علاوه بر اینکه موضوعی از نهج‌البلاغه را برای ما روشن می‌کند، یک مسئله اساسی از مسایل اسلامی را نیز تبیین می‌کند. مسئله نبوت را نه تنها بعنوان یک مسئله قابل تعقیب در نهج‌البلاغه می‌توان بررسی کرد بلکه آن را می‌توان بعنوان یکی از مسائل بسیار اصولی و مهم ایدئولوژی اسلامی و محور سایر مسائل، مورد پی گیری و فهمیدن قرار داد و در طیف وسیعی از مطالب و مباحثی که بر گرد این محور قرار می‌گیرد، مسائل بسیاری از اسلام را جا داد، از جمله مسئله توحید، و معتقدیم اگر بخواهیم به مسئله توحید از ابعاد اجتماعی و کلا انقلابی آن نگاه کنیم باید آن را بعنوان مسئله‌یی از مسائل نبوت تحت بررسی و پی گیری قرار دهیم.

ما در این بحث عناوین مختلف و فصول گوناگونی از بحث نبوت را مطرح کرده و در ذیل این عناوین سخن علی بن ابیطالب (ع) در نهج‌البلاغه را پیش کشیده و آن را شرح می‌کنیم، تا در ضمن بحث از مسائل اسلامی بخشهای مهمی از نهج‌البلاغه شریف ترجمه و تفسیر گردد.

برای شروع مباحث نبوت در نهج‌البلاغه مقدمه‌ای را عنوان می‌کنیم: ما در این بحث به مسئله وحی نمی‌پردازیم بلکه به نبوت به چشم یک واقعیت تاریخی و یک حادثه تردید ناپذیرد نگاه می‌کنیم. بی گمان در تاریهخ بشریت حادثه‌ای که ما نام آن را نبوت می‌گذاریم اتفاق افتاده است و در وجود این حادثه میان ما و میان بی اعتقادان به نبوت اختلافی نیست، اختلاف در تفسیر این حادثه است، اختلاف در مضمون پیامی است که در این حادثه وجود دارد، اما در اصل حادثه در این واقعیت تاریخی میان ما و هیچیک از انسانهائی که با تاریخ سر و کار دارند اختلافی وجود

[صفحه ۲]

ندارد، موسی یک پدیده‌ایست که در تاریخ ثبت شده، عیسی و دیگر پیامبران با تاریخچه‌های کم و بیش روشن یا مبهم همینطور. ما در این بحث نبوت را با این دید می‌نگریم یعنی این حادثه تاریخی را در نظر می‌گیریم بعد در اطراف آن بحث می‌کنیم. اولا بحث می‌کنیم که در هنگام وقوع این حادثه تاریخی زمینه اجتماعی چگونه بوده است؟ یعنی این حادثه در چه موقعیت زمانی و تاریخی و در چه وضعیت اجتماعی واقع شده است؟ بعد بررسی می‌کیم که این حادثه از کجای جامعه سر برآورده؟ از کدام طبقه، از کدام قشر؟ از چه تیپ انسانی، از پادشاهان، از مستضعفان، از عالمان و متفکران و اندیشمندان؟ بعد بحث و مطالعه می‌کنیم که این حادثه دارای چه جهت گیری بود، آیا به سود طبقه خاصی می‌اندیشید آیا به سود مادیون می‌اندیشید؟ آیا به جنبه‌های عرفانی و معنوی می‌اندیشید؟ چه هدفی در کار بود؟ دارای چه جهت گیری اجتماعی و فکری بود؟ همچنین بحث می‌کنیم که وقتی این حادثه واقع شد نخستین شعرای که این پیام آور آورد چه بود؟ نمی‌گوییم پیام آور از غیب، تا کسانی بگویند ما به غیب اعتقاد نداریم، این اختلاف را می‌گذاریم برای بعد بهر حال حادثه‌ای بود که پیام آوری در آن پیامی ارائه می‌کرد، آیا این پیام، مخالفانی یا موافقانی در جامعه داشت یا نه؟ اگر داشت چه کسانی بودند، از چه قشرهائی و با چه انگیزه‌هائی در مخالفان، و نیز از چه قشرهائی و با چه انگیزه‌هائی در موافقان، و با کدام ابزار از ابزارهای کمک و معاونت.

همچنین در هدف این پیام بحث می‌کنیم، آیا هدف در این حادثه چه بود: رفاه زندگی مادی، برداشتن فاصله طبقاتی، بالا بردن سطح اندیشمندی و هوشمندی، مخالفت با قدرتها، یا توجه به قدرتها؟، اینها سوالهائیست که برای شناختن آن حادثه، حادثه‌ای که بیگمان یک واقعیت اجتماعی به حساب می‌آید، لازم است و پاسخ به این سوالها روشنگر آن حادثه خواهد بود. این قبیل بحثها که شامل حدود پانزده سئوال پیرامون مسئله نبوت را برای ما مطرح می‌کند جوابهایی را بدنبال می‌آورد که وقتی آنها را از متون اسلامی گرفتیم یک منطقه عظیمی از اندیشه اسلامی برای ما روشن می‌شود.

از جمله این سوالها یکی همین است که این پیام آور به چه چیز یا به چه کس دعوت می‌کرد، مسئله توحید مطرح می‌شود و اینجاست که توحید بعد اجتماعی، بعد انقلابی، سیاسی، اقتصادی پیدا می‌کند و از این قبیل، ما همین رشته بحث را در نهج‌البلاغه دنبال می‌کنیم که در هر یک از این بحثها به ترجمه

[صفحه ۳]

بسنده نکنیم بلکه در اطراف آن مسئله بحث مشروح تری داشته باشیم و با اینکه محور بحث نهج‌البلاغه است از آیات قرآن و مباحث عقلی نیز به تناسب بهره خواهیم گرفت.

زمینه ظهور نبوتها

اولین بحثی که به شکل سوال مطرح است زمینه ظهور نبوتهاست. نبوتها در چه موقعیت زمانی و ذهنی و اجتماعی بروز کرده است؟ این به ما کمک خواهد کرد که پیام نبوتها را بهتر بشناسیم.

در نهج‌البلاغه چند جا به سئوال ما پاسخ داده شده است.

۱- در خطبه اول به دو مناسبت در این زمینه بحث شده است:

الف: «و اصطفی سبحانه من ولده انبیا اخذ علی الوحی میثاقهم و علی تبلیغ الرسال امانتهم لما بدل اکثر خلقه عهد الله الیهم فجهلوا حقه، و اتخذوا الا نداد معه، و احتالتهم الشیاطین عن معرفته، و اقتطعتهم عن عبادته فبعث فیهم رسله » [... ۱].

در این عبارت چگونگی زمان ظهور پیامبران بیان شده است:

«زمانیکه بیشترین آفریدگان خدا فرمان خدا را دگرگونه کردند و حق خدا را ندانسته و رقیبانی را با او پذیرفتند و شیاطین، آنان را از شناخت خدا باز داشته و از عبودیت او بر گردانده بودند، در چنین دورانی بود که خدا پیامبرانش را در میان مردم برانگیخت.»

زمینه ظهور پیامبران

در نهج‌البلاغه به قسمتهای دیگری می‌توان دست یافت آنچه در این فراز آمده به چند

[صفحه ۴]

خصوصیت از جامعه‌ی جاهلی اشاره فرموده است:

۱- بیشترین آفریدگان خدا در این زمان فرمانی را که خدا به انسان سپرده دگرگونه کرده‌اند. منظور از فرمانی که خدا به انسان سپرده چیست؟ فرمانی که ما کلمه‌ی عهد را بجای آن ترجمه کردیم منشوری است که حاکمی و بزرگی برای زیر دست خود می‌نویسد، ابلاغی که رئیس به مرئوس خود می‌دهد، عهد مالک اشتر یعنی منشور. در آن روزگار بیشترین انسانها منشور الهی را دگرگونه کردند، قرآن در چند جا به این منشور اشاره کرده است، بعضی جاها با کلمه عهد یعنی با همین لغت و واژه‌یی که در این خطبه بکار رفته و در جای دیگر با واژه‌ها و عنوانهای دیگر.

از جمله این آیه است: «الم اعهد الیکم یا بنی آدم الا تعبدوا الشیطان» ای فرزندان آدم آیا من به شما فرمان ندادم که شیطان را

عبودیت نکنید.

آیه دیگر: «وقضی ربک الا تعبدوا الا ایاه» خدا حکم کرده و فرمان داده است که عبودیت نکنید مگر او را. پس اینجا هم فرمان خدا و عهد الهی یعنی عبودیت خدا فقط.

در آیه‌ی سوم اینطور آمده است: «و اشهد هم علی انفسهم الست بربکم قالوا بلی شهدنا» خدا انسانها را در دوران پیشین «دوران ذر» (به تعبیر روایات) بر خویشتن گواه کرد آنها را گواه بر خودشان گرفت به اینگونه که گفت «الست بربکم» آیا من پروردگار شما نیستم «قالوا بلی». انسانها با زبان فطرت و طینت خودشان گفتند چرا، یعنی انسانیت بطور طبیعی اعتراف کرده به اینکه بنده خداست و باید خدا را عبودیت کند. اینست عهدی که امیرالمومنین در این خطبه به ان اشاره می‌کند و فرمانی که خدا به آن سپرده و آنها را موظف به انجام آن فرمان کرده است ولی آنان دگرگونه‌اش کردند، خدا فرمان داده بود که از شیطانها، بتها، از رقیبان پنداری خدا یعنی خداوندان زر و زور و خدا گونگان، در جامعه به هر نحو و با هر عنوان اطاعت نشود اما انسانها این فرمانرا دگرگونه کرده بودند بعضی بتها را عبادت می‌کردند و بعضی هم خود را بت کرده و بر انسانهای دیگر تحمیل کرده بودند، پس خصوصیت بارز دوران ظهور انبیاء اینست که بیشترین انسانها فرمان الهی را یعنی لزوم عبودیت انحصاری الله را دگرگونه کرده بودند و این نتایج بر این دگرگونه کردن بار می‌شود پس حق خدا را ندانسته و رقیبانی را با او پذیرفته‌اند و شیطانها آنها را از شناخت او باز داشته و از عبودیت او برگردانده بودند. در این دوران، خدا نبوتها و بعثتها را در جامعه بوجود می‌آورد.

باز در خطبه اول در جای دیگر به مناسبت ظهور پیغمبر اسلام این کلمات ذکر شده است. و این را می‌دانیم که زمینه ظهور همه پیامبران یکسان و یکنواخت است در همان شرایط اجتماعی که پیغمبر اسلام ظهور کرده از لحاظ خطوط کلی دقیقا در همان زمینه‌هاست که موسی و عیسی و ابراهیم و هزاران پیغمبر دیگر ظهور کردند. بنابراین آنچه در مورد زمینه ظهور اسلام در اینجا ذکر

[صفحه ۵]

شده با زمینه ظهور پیامبران دیگر و بعثتهای دیگر تطبیق می‌کند و آنجمله اینست: «و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء منتشره و طرائق متشتته بین لله بخلقه او ملحد فی اسمه او مشیر الی غیره» [۲].

مردم روی زمین در آن هنگام فرقه‌های جدا جدا دارای هوسهای پراکنده و شیوه‌های گوناگون بودند. کسانی خدا را با آفریدگانش همانند می‌کردند و کسانی در نام او فرو مانده و به او نرسیده بودند و کسانی دیگر به حقیقتی جز او اشاره می‌کردند. این کلمات، کلمات بسیار پر مغزی است و ما باختصار به شرح آن می‌پردازیم: (مردم روی زمین در آن هنگام که پیامبر ظهور می‌کند فرقه‌های جدا جدا بودند) یعنی یک اندیشه همه گیر و همه گستر بر ذهنها حاکم نبود و این نشانه عدم وجود یک فرهنگ قابل پذیرش، و یا نشانه جدائیها و اختلافهای فراوان میان انسانهاست و خود این از نشانه‌های جهالت است. هوسهای پراکنده به دو معنا می‌تواند باشد.

معنای ساده‌تر اینکه انسانها در هر بخشی از بخشهای جامعه یا در هر بخشی از بخشهای روی زمین دارای خواستها و جهت گیریهای ویژه خودشان بودند. کسانی در این گوشه یا در این طبقه یا در این قشر و در این صنف به چیزی شوق می‌ورزیدند و کسانی در قشر و طبقه و صنف و شغل دیگر به چیز دیگر. آرمانهای مشترک در جامعه وجود نداشت و این هم نشانه‌ی انحطاط یک جامعه است.

معنای دوم: منظور او هوسهای پراکنده یعنی وقتی شما در سراسر عالم نگاه می‌کردید چند قطب و چند قدرت بیشتر وجود نداشت در ایران، ساسانیان بودند و طاغوتهای ساسانی، در روم امپراطوران روم بودند، در حبشه سلطانی و طاغوت دیگری در چند نقطه عالم چندین مستبد خود کامه، دیکتاتور در راس زندگی مردم قرار داشتند هر جا هر طاغوتی در راس یک جامعه‌یی قرار داشت آنچه در سطح جامعه مشاهده می‌شد و احساس می‌شد کامجوئیهای آن طاغوت بود، اگر در جامعه ایرانی آن زمان ظلم بود اگر آقایی بی حد و حصر بر همنان و نظامیان و خانواده‌های بزرگ و اشرافی بر مردم تحمیل می‌شد این در حقیقت به معنای کامجویی

آن طاغوتی بود که در راس قرار داشت او اینطور می‌خواست و اگر مردم در زیر فشار ظلم طبقاتی و اقتصادی فرهنگی و اخلاقی دست و پا می‌زدند این در حقیقت گوشه‌یی و جلوه‌یی از کامجویی آن طاغوت بزرگ را نشان می‌داد. بنابر این هوس یک انسان در بخش عظیمی از جامعه بشریت و خانواده بشریت مشاهده می‌شد و محسوس وملموس بود. دنیا در یک چنین وضعی بود.

[صفحه ۶]

انحراف در شکل بت پرستی

مردم شیوه‌های گوناگونی داشتند، کسانی خدا را با آفریدگانش همانند می‌کردند آن کسانی که بر طبق فطرت و جاذبه قلبی و روحی خودشان احساس می‌کردند که خدایی و آفریننده‌یی وجود دارد این خدا را در شکل مخلوقات، در شکل موجوات کوچک و محدود و ناقصی می‌دیدند عده‌یی گاو را می‌پرستیدند بعنوان خدا، عده‌یی بت چوبی و سنگی یا هر نوع بت دیگر را مورد پرستش قرار می‌دادند، بنابر این خدا را بر طبق دعوت فطرت می‌پرستیدند اما این خدا را بدرستی نمی‌شناختند، گمراهی از این بزرگتر و واضحتر چه می‌شود و کسانی در نام او فرو مانده و به او نرسیده بودند، و همین موضوع یک نوع انحراف در ذهن مردم خدا جو و خدا شناس پدید آورده بود، در اسم خدا فرو بمانند و نتوانند از اسم به آنطرفتر بروند، یک نمونه‌اش را ما در دورانهای باستانی و قدیم می‌بینیم مثلا آن کسانی که با وجود خدا بطور مبهم آشنا بودند چون نمی‌توانستند خدا را درست بشناسند همین اسم «الله» یا اسم «منان» را می‌گرفتند و اسم را می‌پرستیدند. اگر از آنها می‌خواستی که مصداق این اسم را برایت معین کنند از حقیقت خدا چیزی نمی‌دانستند لذا این اسم را در این بت یا آن بت منعکس می‌یافتند و نمونه‌ی دیگرش را ما می‌توانیم امروز در بعضی از ایدئولوژیهای التقاطی ببینیم که اینها خدا را قبول می‌کنند اما اگر از آنها بپرسی که خدا چیست؟ می‌بینی در مفهوم خدا در معنا و مضمون این کلمه در می‌مانند، خدا را به معنای کل وجود معنا می‌کنند، خدا را به معنای قوانین حاکم بر طبیعت معنا می‌کنند، خدا را به معنای «علی و معلولی» که در طبیعت و تاریخ و انسان وجود دارد معنا می‌کنند، خدا را با معنای واقعی خودش یعنی آن ذات مستقل واجب الوجود و تردید ناپذیر که آفریننده این عالم است و نه خود این عالم، با این مفهوم برجسته فلسفی قابل استدلال، نمی‌توانند بشناسند، در اسم خدا در می‌مانند، در اسم خدا توقف می‌کنند، وقتی که «الله»، «ذات الله» را نتوانند بشناسند، طبیعی است که معرفت عشق، عرفان، جاذبه‌های معنوی، کششهای اخلاقی که همه بر مبنای توحید و عرفان و شناخت خداست در یک چنین عناصر بوجود نمی‌آید، خیلی روشن است وقتی که انسان خدا را مجموعه‌ی قوانین آفرینش دانست برای او مناجات، بی معنی است. برای او سوز گداز عاشقانه و عارفانه‌ی امام سجاد (ع) یک عمل پوچ است، برای او دعا و توجه و ذکر بی معنی است، در حقیقت آنچه او قبول دارد الله نیست، مفهوم الله نیست، معنای الله نیست، اسم الله نیست لذا بخاطر این است که امیرالمومنین در اینجا می‌گوید «او ملحد فی اسمه» و کسانی در نام او فرو مانده و به او نرسیده‌اند، اینهم جزو نشانه‌های مردمی است که در دوران ظهور نبوتها وجود داشتند و این نشانه انحطاط ادیان و انحراف مذاهب در آن زمان است.

[صفحه ۷]

در خطبه‌ی دوم، امیرالمومنین در همین زمینه بیان مشروحتری دارد:

«والناس فی انجذم فیها حبل الدین، و تزعزعت سواری الیقین و اختلف النجر، و تشتت الامر، و ضاق المخرج و عمی المصدر، فالهدی خامل، و العمی مشامل، عصی الرحمن، و نصر الشیطان، و خذل الایمان فانهارت دعائمه و تنکرت معالمه و درست سبله و عفت شرکه، اطاعوا الشیطان فسلکوا مسالکه وورد و امناهله بهم سارت اعلامه و قام لوائه، فی فتن داستهم باخفافها، و وطئتم باظلافها، و قامت علی سنابکها فهم تائهون حائرون جاهلون مفتونون فی خیر دار و شر جیران، نومهم سهود و کحلهم دموع، بارض عالمها ملجم و جاهلها مکرم». [۳].

«در هنگام بعثت پیامبران، مردم دستخوش فتنه‌هائی بودند که در آن ریسمان دین گسسته بود و دستگیره‌های یقین و باور، سست شده بود و راهها دگرگونی و اختلاف پیدا کرده بود و کار به پراکندگی گرائیده و راه گریز از این فتنه بر مردم تنگ شده بود و جایگاه بهره گیری بر مردم مبهم و تاریک مانده بود، هدایت در آن روزگار فرو افکنده و کمرنگ بود، کوری و نابینائی همه گیر بود، خدای رحمن، عصیان و سرپیچی می‌شد اما شیطان مورد نصرت و یاری قرار می‌گرفت و ایمان بی یاور و بی پشتوانه می‌ماند، پایه‌های ایمان متزلزل و ویران بود نشانه‌های ایمان گم بود، راههای ایمان فراموش شده بود، مردم از شیطانها فرمان می‌بردند و راه آنها را می‌پیوندند به سر منزلی که آنها هدایت می‌کردند فرود می‌آمدند و لوای شیطان برپا می‌گشت، مردم دستخوش فتنه‌هایی بودند که این فتنه‌ها مردم را در زیر سم خود مانند حیوان وحشی و نا آرامی لگد مال و آنها را پایکوب می‌کرد، فتنه مانند حیوان پیروزمندی که طعمه‌ی خود را زیر دست و پای خود له کرده و گردن برافراشته است از سرکوبی مردم، گردن بر می‌افراشت مردم در فتنه‌ها گم گشته بودند، در بهترین خانه‌ها با بدترین همسایگان زندگی می‌کردند، خواب آنان بد خوابی بود و سرمه‌ی چشمشان اشکها بود، در سرزمینی زندگی می‌کردند که عالمان لجام زده بودند، و جاهلها عزیز و گرامی می‌زیستند».

[صفحه ۸]

این زمینه بعثت پیامبران است در کلام امیرالمومنین و شما اگر این کلام را مورد دقت قرار دهید می‌بینید یک تصویر است یک نقاشی است یک اثر به معنای واقعی کلمه‌ی هنری است برای نشان دادن اوضاع و احوال جاهلی. در این ترسیم هنری در این تابلو که علی بن ابی طالب علیه‌السلام روی منبر ایستاده و برای مردم حرف زده است در این حرف زدن که علی تابلویی ترسیم کرده است بیشترین قلم، از بدبختی‌ها و نابسامانیها و نارسائیهای جامعه مشاهده می‌شود از جنبه‌های فکری مردمی هستند که راه بجائی نبرده‌اند و هدفشان را نمی‌دانند چیست برای چه صبح از خواب برمی‌خیزند، شاید فکر می‌کنند که می‌دانند اما اشتباه می‌کنند و این جمله را اضافه کنم که ما چون دوران اختناق را دیدیم خیلی روشن می‌توانیم مضمون این کلمات علی بن ابیطالب (ع) را بفهمیم، دقیقا از اوضاع زمان ماست زمان مظلومیت ملت ایران و زمان قربانی شدن ملت ایران در زیر دست و پای جلادان خاندان پهلوی و رژیم آمریکائی، و من در آن روزگار که این خطبه را تشریح می‌کردم هر کلمه‌ای را که می‌نوشتم از روی وجدان و احساس یعنی دقیقا چیزهایی بود که در آن روز ما لمس می‌کردیم همه آنچه که در این خطبه و امثال این خطبه از میان زمینه ظهور پیامبران آمده گام به گام و کلمه به کلمه تطبیق می‌کرد بر وصفی که ما آن روز می‌گذراندیم از لحاظ فکری، مردم در سطح بسیار نازل، و از نظر روایـن حیرت زده، فریب خورده بودند شما به این دو سه سال آخر نگاه نکنید یادتان بیاید از آن روزی که در بعضی از شهرستانهای ایران کسانی از فریب خوردگان به معنای واقعی کلمه روی کامیون‌ها سوار شده و به نفع رژیم طاغوتی هیاهو می‌کردند و وجدان بیدار گروهی از مردم سخت جریحه دار بود، این وجدان عمومی جامعه ما نبود آنکسی هم که حاض نمی‌شد کف بزند عملاـ کف می‌زد. آن کسی که سرش بکار زندگی بود در هر کسوتی نه فقط در کسوت کارمندان و حقوق بگیران دولت بلکه حتی در کسوت روحانیون کسانی بودند و بسیار بودند که در عمل بی تفاوت و خونسرد خودشان، تحسین کننده و پذیرنده روشهای طاغوت بودند، فریب خورده و سرگشته و حیرت زده بودند هیچکس نمی‌دانست که امروز که از خواب بلند شد دنبال چه می‌خواهد برود؟ چرا، می‌دانستند دنبال کار روزانه‌شان باید بروند اما آن کار نبود زیرا هدف است که به کار معنی می‌دهد، هدف چیست؟ برای چه دنیایی برای کدام آینده انسان زنده است، برای رسیدن به آن تصویر آرمانی خود، اگر زندگانی آرمانی را از انسان بگیرند- انسان هیچ کاری ندارد جز کار دراز گوش آسیاب یعنی در جا زدن در شکل تحرک، در جا زدن هم نوعی تحرک است، اما در حقیقت سکون است. زندگی چنین حالتی دارد. خانه بهترین خانه‌ها بود زمین خدا با اینهمه نعمت و سرزمین وجدان و استعداد انسانها و زمینه‌های نیکی- که در انسانهای آن روز هم بود و امروز بروز کرده است، این نقطه‌های درخشنده‌یی که شما امروز در ملت ایران می‌بینید اینها که خلق الساعه نبود اگر شما امروز می‌بینید

[صفحه ۹]

که جوانان ما پدر و مادر ما در عالمی از رویاهای انقلابی بسر می‌برند رویاهایی که در زندگی روز مره خودشان تعبیر می کنند و لحظه به لحظه لمس می کنند، اینها که در ظرف یک لحظه انقلابی نشدند انسان که ناگهان ۱۸۰ درجه تغییر ماهیت نمی‌دهد. اینها دردهای پنهان بوده، این سرزمین خیرات و برکات الهی در انسانها و در طبیعت بود.

اما با بدترین همسایگان، این سرزمین همسایگان بدی داشت صاحبان و مالکان بدی داشت، بعد در مورد ایمان و یقین و بقیه خصوصیاتی که می‌بینید دقیقا همان زمینه‌هایی است که خوشبختانه ما مردم در بخشی از عمرمان بعضی‌ها دو سال بعضی پنج سال بعضی‌ها بیست سال آزمودیم، این زمینه بعثت پیامبران است و امیرالمومنین (ع) می گوید در چنین شرایط و اوضاع و احوالی که بیان کردیم پیامبران مبعوث شدند و این برای ما یک بحث بسیار مهم فکری است.

متاسفانه مشاهده می‌شود که در بعضی از اندیشه‌ها و فکرهای ناسالم، زمینه بعثت پیامبران بد فهمیده و بد تعبیر و بر اساس آن استنتاجها و تحلیلهای غلط و مادی انجام می گیرد.

پاورقی

[۱] خطبه اول نهج‌البلاغه.

[۲] خطبه اول.

[۳] خطبه دوم نهج‌البلاغه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹